

ریشه های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی

نویسندگان :

دارون عجم اوغلو، جیمز رایینسن

مترجمان:

جعفر خیر خواهان، علی سرزعی



۱۳۹۸

فهرست

۱۳	معرفی کتاب و نویسندگان
۱۵	مقدمه مترجمان
۱۹	پیشگفتار
	بخش اول: پرسش‌ها و پاسخ‌ها
۲۵	فصل اول: مسیرهای توسعه سیاسی
۲۶	مسیر شماره ۱: بریتانیا
۳۱	مسیر شماره ۲: آرژانتین
۳۵	مسیر شماره ۳: سنگاپور
۳۹	مسیر شماره ۴: آفریقای جنوبی
۴۵	دستور کار
۴۷	فصل دوم: دیدگاه ما
۴۹	۱. دموکراسی در برابر غیردموکراسی
۵۲	۲. اجزای تشکیل دهنده رویکرد ما
۵۷	۳. به سوی ماجرای اصلی
۵۹	۴. نظریه دموکراسی‌سازی ما
۶۸	۵. تحکیم دموکراسی
۷۰	۶. عوامل تعیین‌کننده دموکراسی
۷۰	۱-۶. جامعه مدنی
۷۰	۱-۱-۶. دموکراسی‌سازی
۷۱	۲-۱-۶. تحکیم دموکراسی
۷۱	۲-۲-۶. تکانه‌ها و بحران‌ها
۷۱	۱-۲-۶. دموکراسی‌سازی
۷۱	۲-۲-۶. تحکیم دموکراسی
۷۲	۳-۶. منابع درآمد و ترکیب ثروت
۷۲	۱-۳-۶. دموکراسی‌سازی
۷۳	۲-۳-۶. تحکیم دموکراسی
۷۳	۴-۶. نهادهای سیاسی
۷۳	۱-۴-۶. دموکراسی‌سازی
۷۵	۲-۴-۶. تحکیم دموکراسی
۷۷	۵-۶. نقش نابرابری‌های بین‌گروهی

۱۶۵	۱-۴. مدل رأی‌دهنده میانی برای سیاست بازتوزیعی
۱۷۲	۲-۴. مدل سیاست بازتوزیعی دوگروهی
۱۷۶	۳-۴. پرداخت‌های انتقالی هدمند
۱۷۹	۴-۴. هویت‌های سیاسی بدیل
۱۸۵	۵. دموکراسی و برابری سیاسی
۱۹۰	۶. نتیجه‌گیری

فصل پنجم: سیاست غیردموکراتیک

۱۹۱	۱. مقدمه
۱۹۳	۲. قدرت و محدودیت‌ها در عرصه سیاست غیردموکراتیک
۱۹۳	۱-۲. فرادستان در سیاست دموکراتیک
۱۹۴	۲-۲. قید انقلاب
۱۹۷	۳-۲. معضل اقدام جمعی در انقلاب
۲۰۲	۴-۲. شواهد مربوط به معضل اقدام جمعی
۲۰۶	۳. مدل‌سازی ترجیحات و محدودیت‌ها در غیردموکراسی‌ها
۲۱۲	۴. مسائل تعهد
۲۱۲	۱-۴. موضوعات اساسی
۲۱۷	۲-۴. دشواری تعهد به عدم کاربرد قدرت سیاسی
۲۱۸	۱-۲-۴. خیزش دهقانان در سال ۱۳۸۱ میلادی
۲۲۱	۲-۲-۴. شورش کمونرو در گرنادای جدید (کلمبیا)
۲۲۳	۳-۲-۴. انقلاب روسیه ۱۹۰۵
۲۲۶	۳-۴. مدل‌سازی مسأله تعهد در غیردموکراسی‌ها
۲۲۹	۵. بازی ساده وعده‌ها
۲۳۹	۶. مدل پویا
۲۵۴	۷. وعده‌های سازگار با انگیزه
۲۶۷	۸. نتیجه‌گیری

بخش سوم: ایجاد و تحکیم دموکراسی

۲۶۹	فصل ششم: دموکراسی‌سازی
۲۶۹	۱. مقدمه
۲۶۹	۲. نقش نهادهای سیاسی
۲۷۳	۳. ترجیحات نسبت به نهادهای سیاسی
۲۷۴	۴. قدرت سیاسی و نهادها

۷۷	۱-۵۶. دموکراسی‌سازی
۸۰	۲-۵۶. تحکیم دموکراسی
۸۱	۶-۶. طبقه متوسط
۸۱	۱-۶-۶. دموکراسی‌سازی
۸۳	۲-۶-۶. تحکیم دموکراسی
۸۳	۷-۶. جهانی‌شدن
۸۴	۱-۷-۶. دموکراسی‌سازی
۸۶	۲-۷-۶. تحکیم دموکراسی
۸۶	۷. هویت‌های سیاسی و ماهیت منازعه
۸۸	۸. دموکراسی در یک تصویر
۹۳	۹. مروری اجمالی بر مطالب کتاب

فصل سوم: از دموکراسی چه می‌دانیم؟

۹۵	۱. اندازه‌گیری دموکراسی
۹۵	۲. الگوهای دموکراسی
۹۸	۳. دموکراسی، نابرابری و بازتوزیع
۱۰۸	۴. بحران‌ها و دموکراسی
۱۱۶	۵. ناآرامی اجتماعی و دموکراسی‌سازی
۱۱۷	۱-۵. دموکراسی‌سازی در اروپای سده نوزدهم
۱۱۹	۲-۵. چرا در سده نوزدهم؟
۱۲۱	۳-۵. تجربه آمریکای لاتین
۱۲۴	۶. ادبیات موضوع
۱۳۰	۷. پیشبرد علمی ما

بخش دوم: مدل‌سازی عرصه سیاست

فصل چهارم: سیاست دموکراتیک

۱۴۹	۱. مقدمه
۱۴۹	۲. تجمیع ترجیحات فردی
۱۵۲	۳. ترجیحات تک‌اوجی و قضیه رأی‌دهنده میانی
۱۵۴	۱-۳. ترجیحات تک‌اوجی
۱۵۴	۲-۳. قضیه رأی‌دهنده میانی
۱۵۶	۳-۳. رقابت حزبی داوونزی و هم‌گرایی سیاست‌ها
۱۵۹	۴. مدل‌های کاری

۴۸۴	۷. فروض جایگزین درباره ماهیت تجارت بین‌الملل
۴۸۸	۸. نتیجه‌گیری

بخش پنجم: نتیجه‌گیری و آینده دموکراسی

۴۸۹	فصل یازدهم: نتیجه‌گیری و آینده دموکراسی
۴۸۹	۱. بازنگری مسیرهای توسعه سیاسی
۴۸۹	۱-۱. بریتانیا
۴۹۳	۲-۱. آرژانتین
۴۹۵	۳-۱. سنگاپور
۴۹۵	۴-۱. آفریقای جنوبی
۴۹۷	۲. گسترش بحث و حوزه‌هایی برای پژوهش‌های آتی
۵۰۱	۳. آینده دموکراسی

بخش ششم: پیوست

۵۰۵	فصل دوازدهم: پیوست فصل چهارم: توزیع قدرت در دموکراسی
۵۰۵	۱. مقدمه
۵۰۵	۲. مدل‌های رأی‌دهی احتمال‌باور
۵۰۵	۱-۲. رأی‌دهی احتمال‌باور و وجود تعادل
۵۰۸	۲-۲. رأی‌دهی احتمال‌باور و رأی‌دهندگان غیرحزبی
۵۱۲	۳. لابی‌گری
۵۱۹	۴. سیاست‌های عقیدتی و مصادره سیاسی
۵۲۰	۱-۴. رقابت انتخاباتی با احزاب عقیدتی
۵۲۴	۲-۴. رقابت انتخاباتی با احزاب عقیدتی و رأی‌دادن احتمالی
۵۲۶	۳-۴. تعهد و هم‌گرایی
۵۲۹	کتاب‌شناسی
۵۴۹	نمایه

بخش اول

پرسش‌ها و پاسخ‌ها

فصل اول: مسیرهای توسعه سیاسی

برای درک این واقعیت که چرا برخی کشورها دموکراتیک ولی برخی دیگر دیکتاتوری هستند، تفکیک میان مسیرهای مشخصه متفاوتی که نهادهای سیاسی در طی زمان می‌پیمایند مفید فایده خواهد بود. دست‌کم تا این لحظه از زمان، تنها برخی از این مسیرها به دموکراسی منتهی شده‌اند. این مسیرهای الگوشده^۱ به ما کمک می‌کند تا از میان پیچیدگی‌های موجود در مقایسه‌های جهان واقع، جهت خود را به درستی بیابیم، و نیز سازوکارهای اصلی‌ای که به اعتقاد ما ساختار اقتصادی و سیاسی جامعه را به نهادهای سیاسی پیوند می‌دهند، کاملاً روشن سازیم.

مسیرهای اصلی توسعه و تحول سیاسی بر چهار نوع هستند. نخست، مسیری که از شرایط غیردموکراتیک به صورت تدریجی اما قطعی به سمت دموکراسی پیش می‌رود. در این مسیر، دموکراسی پس از ایجاد، هرگز مورد تهدید قرار نگرفته، استمرار یافته و تحکیم^۲ می‌شود. بریتانیا بهترین نمونه حرکت در چنین مسیری از توسعه سیاسی است. دوم، مسیری که به دموکراسی می‌انجامد با این تفاوت که وقتی دموکراسی ایجاد شد، به سرعت فرو می‌پاشد. به دنبال آن، نیروهایی که به دموکراسی‌سازی اولیه منجر شده بودند دوباره قدرت خود را باز می‌یابند اما دموکراسی یکبار دیگر از هم می‌پاشد و این چرخه دائماً تکرار می‌شود. بهترین مصداق این مسیر، که دموکراسی پس از ایجاد، نامستحکم باقی می‌ماند، تجربه آرژانتین در طول قرن بیستم است.

نخستین قانون اصلاحات در شرایطی به تصویب رسید که نارضایتی مردم از وضعیت سیاسی موجود در بریتانیا بالا گرفته بود. لانگ (۱۹۹۹، ص ۲۶) اشاره می‌کند که:

در سال‌های پس از جنگ واترلو، با توجه به رشد مناطق صنعتی جدید، ترس از انقلاب به صورت یک تهدید جدی، نه تنها کاهش نیافته بلکه تشدید شده و دولت‌گرد لیورپول (۲۷-۱۸۲۱) به سیاست سرکوب شدید متوسل گردید.

در ابتدای قرن نوزدهم، انقلاب صنعتی که از چند دهه پیش از آن شروع شده بود ادامه داشت و در ده سال قبل از ۱۸۳۲، انگلستان شورش‌ها و نارضایتی‌های عمومی پیوسته‌ای را شاهد بود. از جمله نمونه‌های برجسته، شورش لودیت در سال‌های ۱۶-۱۸۱۱، شورش اسپا فیلدز در سال ۱۸۱۶، قتل‌عام پیترو در سال ۱۸۱۹ و شورش‌های سوینگ در سال ۱۸۳۰ بودند (برای مروری اجمالی ن.ک: داروال^۱ ۱۹۳۴، استیونسون^۲ ۱۹۷۹). دیگر عامل شتاب‌دهنده اصلاحات مذکور، انقلاب جولای ۱۸۳۰ در پاریس بود. این مسأله که انگیزه اصلاحات سال ۱۸۳۲، جلوگیری از اغتشاش‌های اجتماعی بود مورد اجماع تاریخ‌نگاران است. لانگ (۱۹۹۹، ص ۳۶) این‌طور نتیجه می‌گیرد:

میزان ناآرامی‌ها، ضرورت انجام اصلاحات سریع را به جای این‌که به تاخیر اندازد، تشدید کرد: عقب‌تر انداختن هر چه بیشتر اصلاحات، بسیار خطرناک بود. دقیقاً همان‌گونه که ولینگتون و پیل آزادی‌هایی داده بودند تا از بروز شورش در ایرلند جلوگیری کنند، به همان ترتیب، ویگ‌ها^۳ ... باید اصلاحات را به عنوان انتخاب وضعیت بد در مقابل بدتر اعطا می‌کردند.

با قانون اصلاحات سال ۱۸۳۲، تعداد رأی‌دهندگان از ۴۹۲،۷۰۰ نفر به ۸۰۶،۰۰۰ نفر افزایش یافت که حدود ۱۴/۵ درصد جمعیت مردان بزرگسال را تشکیل می‌داد. با این‌حال اکثریت مردم بریتانیا نمی‌توانستند رأی دهند و اشراف و زمین‌داران بزرگ، میدان عمل گسترده‌ای برای مریدگرایی (گماشته‌پروری)^۴ داشتند زیرا ۱۲۳ کرسی انتخابی مربوط به مناطقی بود که هر کدام کمتر از ۱۰۰۰ رأی‌دهنده داشتند. همچنین شواهدی از فساد مداوم و ارباب رأی‌دهندگان دیده می‌شد، تا این‌که قانون انتخابات سال ۱۸۷۲ و قانون مبارزه با اعمال خلاف و غیرقانونی (انتخاباتی) سال ۱۸۸۳ به تصویب رسید. بنابراین، قانون اصلاحات، دموکراسی توده‌ای به وجود نیاورد بلکه به صورت امتیازدهی راهبردی طراحی شده بود. تعجب‌آور نیست که ببینیم مسأله اصلاحات پارلمانی پس از سال‌های ۱۸۳۲ کماکان مطرح بوده و موضوعی اساسی برای جنبش چارتریست‌ها (طرفداران منشور مردم)^۵ به‌شمار می‌رفت.

از کنار هم قرارگرفتن عوامل مختلف، سرانجام در سال ۱۸۶۷ شتاب برای اصلاحات به اوج رسید. یکی از این عوامل، اُفت شدید فعالیت اقتصادی بود که سختی‌های اقتصادی زیادی به بار آورد و تهدید بروز خشونت را افزایش داد. عامل مهم دیگر، تأسیس اتحادیه ملی اصلاحات در سال ۱۸۶۴ و مجمع اصلاحات در سال ۱۸۶۵ بود. شورش‌های هاید پارک در جولای سال ۱۸۶۶ از دیگر عواملی بود که نقش شتاب‌دهنده داشت. سیرل^۱ (۱۹۹۳، ص ۲۲۵) معتقد است:

کاملاً مشخص است که بلواهای مربوط به اصلاحات در سراسر کشور، نقش بسزایی در ترغیب دولت داربی^۲ داشت تا لایحه اصلاحات، هر لایحه اصلاحاتی که می‌شد، را بدون فوت وقت به صورت کتاب قانون درآورد.